



امام‌شناسی مبتنی بر تحلیل محتوای دعای عرفه امام سجّاد علیه السلام
عترت‌دوست، فائزه محمدی، رضی بهابادی
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال نوزدهم، شماره ۷۴ «ویژه پژوهش‌های حدیثی»، بهار ۱۴۰۱، ص ۱۳۸-۱۶۹

امام‌شناسی مبتنی بر تحلیل محتوای دعای عرفه امام سجّاد علیه السلام

محمد عترت دوست^۱
فائزه محمدی
بی‌بی سادات رضی بهابادی^۲

چکیده

در منظومه معارف اسلامی، شناخت ویژگی‌های امام از اهمیت‌تی بسیار برخوردار است، تا جایی‌که کسب معرفت در این خصوص، لازم و ضروری است. یکی از بهترین و معتبرترین منابع جهت شناخت هرچه بهتر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، کلام ایشان در معرفی خود است که در بعضی موارد به صورت دعا در مجامیع حدیثی نقل شده است. در این پژوهش به منظور شناسایی بهتر جایگاه امام، شئون و مناصب و ویژگی‌های ایشان، به تحلیل محتوای دعای عرفه امام سجّاد علیه السلام - که پس از دعای عرفه امام حسین علیه السلام از مشهورترین دعاها به شمار می‌آید - پرداخته شده و از ره آورد تحلیل مضامین و دسته‌بندی موضوعات آن، به سؤال‌های اصلی تحقیق، پاسخ داده شده است. یافته‌های این پژوهش که با روش «تحلیل محتوا» به مثابه یک روش تحقیق میان رشته‌ای و متن محور انجام شده، نشان می‌دهد که در دعای مذکور،

۱. استادیار گروه الهیات دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.



۱۳ ویژگی خاص برای امام معصوم بیان شده است. مهمترین آنها متعلق به موضوع مویّد بودن امام به قدرت و نصرت الهی است. همچنین نتایج تحلیل محتوای دعای عرفه نشان می‌دهد که امام سجّاد علیه السلام، چهار شأن و منصب خاص و انحصاری برای امام در جامعه اسلامی تعریف کرده‌اند به طوری که از میان آنها، مرجعیت دینی امام، جایگاه نخست را در بین وظایف به خود اختصاص داده است. ضرورت انجام این تحقیق آن است که توجه به این ویژگی‌ها و شئون مختلف می‌تواند راهگشای مؤمنان در شناخت صحیح امام و به ویژه تشخیص رهبران حقیقی و الهی از رهبران باطل در عصرهای مختلف باشد.

واژگان کلیدی:

امام سجّاد علیه السلام، دعای عرفه، امام‌شناسی، ویژگی‌های امام، شئون امام، روش تحلیل محتوا.

طرح مسئله

دوران امامت امام سجّاد علیه السلام به خاطر فشار فوق‌العاده از جانب حکومت و سرخوردگی مردم، یکی از سخت‌ترین دوران‌هایی است که بر شیعه گذشته است. امام سجّاد علیه السلام در شرایط خفقان حکومت اموی و پس از واقعه عاشورا می‌بایست شیوه‌ای نوین برای مبارزه در پیش می‌گرفت تا بتواند آن محیط تاریک و ظلمانی و آن مردم غافل و بی‌خبر را از چنگ شهوات و نیز از تسلط دستگاه‌های اهریمنی خلاص کند. یکی از آن شیوه‌ها، شیوه دعا بود که در صحیفه سجّادیه متجلی است.

به دلیل اهمیت بالای مسئله امام‌شناسی و براساس روایات مختلف، از جمله حدیث مشهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که می‌فرمایند: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ۴۰۹/۲)، این پژوهش در نظر دارد به منظور کسب آگاهی از ویژگی‌ها و صفات و شئون و مناصب امام معصوم علیه السلام در جامعه، به تحلیل بخشی از کلام نورانی آن ذوات مقدسه پرداخته و از زبان یک امام معصوم علیه السلام، آنچه به عنوان صفات، ویژگی‌ها و وظایف اهل بیت علیهم السلام بیان شده است را کشف و تبیین نماید.

براین اساس، در این مقاله پژوهشی به تحلیل محتوای دعای عرفه حضرت سید الساجدین علیه السلام - از جمله ادعیه مشهور در مجامع حدیثی و صحیفه سجّادیه - پرداخته‌ایم و با تأکید بر بخش‌های خاصی از این دعا که به معرفی امام پرداخته است، الگویی جامع از ویژگی‌های امام معصوم علیه السلام از منظر دعای عرفه امام سجّاد علیه السلام تبیین شده است.

در مورد متن‌شناسی و بحث سندی صحیفه سجّادیه، تمام علما و دانشمندانی که صحیفه سجّادیه را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند - اعم از شیعه و غیر شیعه - اعتراف دارند که مضامین این دعاها به قدری بالا و عالی است که صدور آن از غیر امام معصوم علیه السلام امکان‌پذیر نیست (مکارم شیرازی، ناصر، عرفان اسلامی (شرحی جامع بر صحیفه سجّادیه)، ۴۱۴/۱).

مرحوم صاحب جواهر نیز که دقت او در اسناد روایات بر همگان واضح است، بیان



می‌دارد که مشخص است صحیفه از حضرت سجّاد علیه السلام است (نجفی، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۱۱/۱۵۸).

پیشینه تحقیق

اگرچه در رابطه با ادعیه صحیفه سجّادیه و به ویژه دعای عرفه پژوهش‌های متعدّدی انجام شده است، ولی باید گفت که عمده آن‌ها به شرح و تقریر دعا و اعتبارسنجی سندی آن پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی به صورت عمیق، یک موضوع خاصّ در این دعا را بررسی کرده است. به عنوان نمونه قادر فاضلی در کتاب «عرفان عرفه» صرفاً به ترجمه و شرح دعای عرفه امام حسین علیه السلام و امام سجّاد علیه السلام پرداخته و این دو دعا را با همدیگر مقایسه نموده است (فاضلی، قادر، عرفان عرفه، تمام اثر). حیدر محلاتی نیز در مقاله «بررسی تطبیقی دعای عرفه امام حسین علیه السلام و امام سجّاد علیه السلام» صرفاً به بررسی شیوه‌های نیایش در این دو دعا از نگاه فنی و ادبی پرداخته و کمتر به محتوا توجه نموده است (محلاتی، حیدر، بررسی تطبیقی دعای عرفه امام حسین علیه السلام و امام سجّاد علیه السلام، صص ۱۰۶-۱۲۲).

براین اساس در این مقاله تلاش شده که با استفاده از یک روش تحقیق، میان رشته‌ای و متن محور، بدون توجه به پیش فرض‌های مؤلف، به تحلیل متن دعای عرفه امام سجّاد علیه السلام پردازیم و مضامین مربوط به موضوع امامت را استخراج و پس از دسته‌بندی و طبقه‌بندی آن‌ها، به تحلیل کیفی پرداخته و الگوی مطرح در این رابطه را بیان کنیم. روش «تحلیل محتوا» عبارت است از مجموعه فنون تحلیل ارتباط که برای توصیف محتوای پیام و روش‌های منظم عینی به کار می‌رود (باردن، لورنس، تحلیل محتوا، ص ۳۸).

این روش، بیش از هر روش دیگری می‌تواند اطلاعات دقیق‌تری در اختیار پژوهشگر قرار دهد؛ چرا که صرفاً بر محتوای متن تأکید داشته و قابلیت استخراج مضامین متعدّد از متن و طبقه‌بندی آن‌ها را دارد. در این مقاله از تکنیک تحلیل محتوای مضمونی استفاده کرده‌ایم تا به رغم تقطیع دعا، در نهایت بتوان مضامین مشابه را در کنار همدیگر قرار داده و الگوی جامع مقوله امامت را استخراج کنیم.

۱. تحلیل محتوای کتبی دعای عرفه امام سجّاد علیه السلام

منظور از تحلیل محتوای کتبی این است که هریک از پارامترها، از جمله موضوعات اصلی یا فرعی در صورت نیاز به طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد و براساس اطلاعات آماری حاصل از تحلیل محتوای کتبی، میزان فراوانی هر کدام استخراج گردد، تا در نهایت پربسامدترین و مهم‌ترین آن‌ها شناسایی و دستیابی به پیام اصلی، آسان گردد. تحلیل کتبی راه ورود به تحلیل‌های کیفی را هموار می‌سازد و در حقیقت نشان می‌دهند محقق باید براساس چه مبنایی به تحلیل‌های کیفی بپردازد (کرپندورف، کلوس، تحلیل محتوا، ص ۲۶).

نخستین مرحله عملی در تحلیل محتوا، ترسیم جداول است. از این رهگذار انواع تقطیع عبارات و گونه‌های موضوعات اصلی و فرعی به نحو نظام‌مندی هویدا می‌شود. در این قسمت به عنوان نمونه، تنها بخشی از جدول تحلیل محتوای امام شناسی درج شده است:

ردیف	متن	موضوع اصلی	جهت گیری	موضوعات فرعی	کد
R ۸	وَجَعَلَتْهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ وَالْمَسْلَكَ إِلَى جَنَّتِكَ و وسیله به سوی خود و راه به سوی بهشت خویش قرار دادی.	امام، راه رسیدن به خدا	امام شناسی	به دلیل آنکه اهل بیت علیهم السلام معصوم‌اند هستند پس وسیله نجات و راهی به سوی خدا و بهشت برین برای مردم‌اند.	E ۲۹
				مردم برای رسیدن به خدا و بهشت باید به اهل بیت علیهم السلام رجوع کنند.	E ۳۰
				در امورات مختلف می‌توان به امام توسل کرد.	E ۳۱

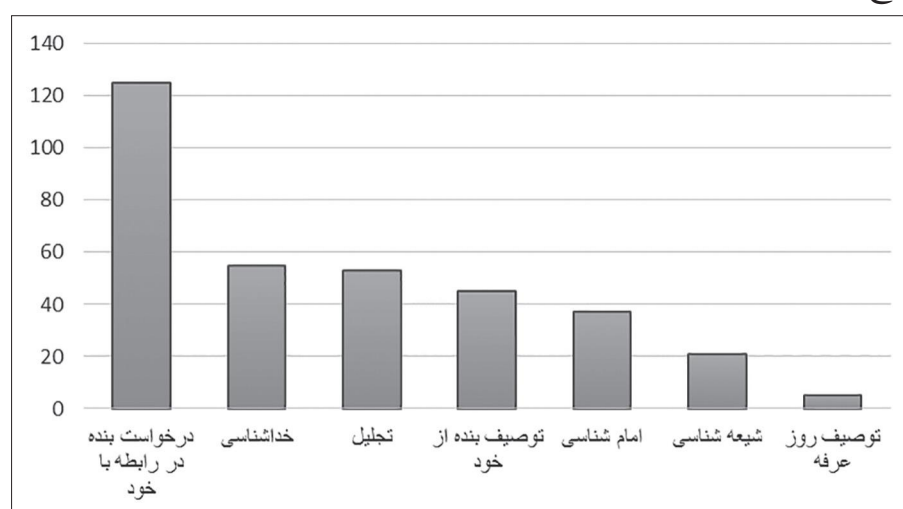
سال نوزدهم، شماره ۱۴، بهار ۱۴۰۱



E ۳۲	دین در هر زمان به موبد نیاز دارد.	امام شناسی	امام، مرجع و موبد دین	اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيْدَتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ يَا مَآمِ خدایا، تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده ای	R ۹
E ۳۳	امام، موبد دین خدا است.				
E ۳۴	امامت، منصبی الهی است.				
E ۳۸	امام، نوری آشکار در جوامع اسلامی است.				

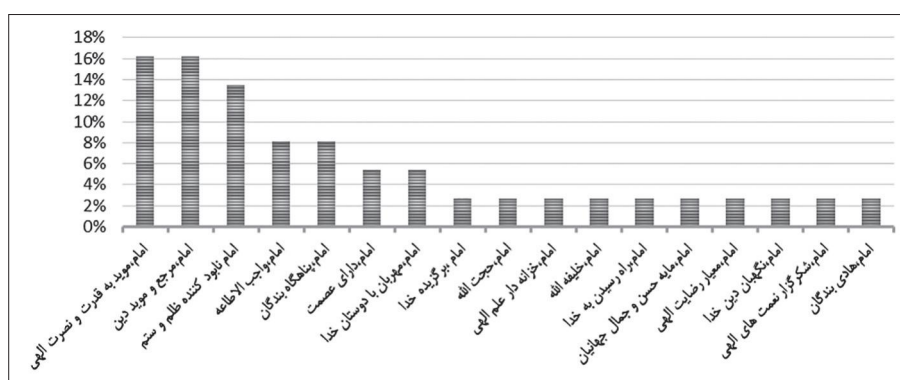
سال نوزدهم، شماره ۷۴، بهار ۱۴۰۱

در ابتدا لازم است نمودار جهت گیری های دعای عرفه ترسیم شود تا مشخص گردد مقوله ی امام شناسی چه میزان حجم از این دعا را به خود اختصاص داده است. موضوعات اصلی استخراج شده از دعای عرفه امام سجّاد علیه السلام در قالب هفت عنوان کلی دسته بندی شده اند و عنوان جهت گیری را به خود اختصاص داده اند که نمودار آن به شرح ذیل است:



نمودار ۱: فراوانی جهت گیری های دعای عرفه

پس از ترسیم جدول تحلیل محتوای کمی امام شناسی، موضوعات اصلی این جدول مورد بررسی قرار گرفت و میزان فراوانی و درصد هریک از آن‌ها استخراج گردیده و سپس به صورت نمودارهایی ترسیم شده است. همان‌طور که مشخص است، مضامینی مانند: "تأیید امام به قدرت و نصرت خداوند"، "مرجعیت دینی امام" و "نابودی ظلم و ستم" بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند که نمودار آن‌ها بدین صورت است:



سال نوزدهم، شماره ۱۴، بهار ۱۴۰۱

نمودار ۲: فراوانی موضوعات اصلی امام شناسی در دعای عرفه

در ادامه، به دسته بندی و طبقه بندی مضامین پرداخته شده و از تحلیل کیفی آن‌ها، مقوله «امام شناسی» استخراج گردیده که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد.

۲. تحلیل محتوای کیفی مقوله «امام شناسی» در دعای عرفه

همان‌طور که در قسمت تحلیل محتوای کمی مشاهده شد، مواردی که بیشترین فراوانی را در بخش امام شناسی دعای عرفه به خود اختصاص داده‌اند، طبق الگویی که حضرت زین العابدین علیه السلام ترسیم کرده‌اند، زیرمجموعه «ویژگی‌ها» و «وظایف» امام جای می‌گیرند. از همین رو، تمام مواردی که در عبارات دعا به آن‌ها اشاره شده است، در همین دو دسته قرار گرفته که تحلیل و بررسی هر کدام از آن‌ها در ادامه خواهد آمد.

۱-۲. ویژگی‌های امام

در این قسمت به ویژگی‌های بیان شده برای «امام» می‌پردازیم که حضرت سجاد علیه السلام

در دعای عرفه خود بدان‌ها اشاره کرده، است:

۱-۱-۲. امام؛ برگزیده خداوند

از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های اهل بیت علیهم‌السلام در این دعای شریف، مسئله برگزیده شدن ایشان به وسیله خداوند متعال است. امام در دعای خود می‌فرماید: «الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ». در این عبارت، کلمه اختیار، مترادف کلمه «اصطفاء» به معنای برگزیدن به کار رفته است (جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربيه، ۶۵۲/۲؛ فراهیدی، خلیل بن احمد، العين، ۱۶۳/۷).

باید گفت که مسئله برگزیدگی ائمه علیهم‌السلام از طرف خداوند متعال، مسئله‌ای است که در قرآن کریم نیز بدان اشاره شده است. به عنوان مثال در قرآن کریم آمده است که: «وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ»^۱. در این آیه به موضوع اختیار و انتخاب خاص حضرت موسی علیه‌السلام توسط پروردگار متعال اشاره شده است. علامه طباطبایی در رابطه با چگونگی این اختیار و انتخاب معتقدند که: «هدف از این اختیار، انتخاب برای نبوت و رسالت بوده است و به همین دلیل در ادامه آیه آمده است که «فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ»؛ چرا که علت اختیار و انتخاب، برای استماع وحی الهی بوده است» (طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۹۳/۱۴).

بنابراین عبارت «الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ» نشان می‌دهد که، مسئله تعیین امام نیز همانند مسأله نبوت به وسیله خداوند متعال صورت می‌گیرد و هیچ کس در انتخاب آنان دخالتی ندارد. لذا سید علی خان که از جمله شارحان صحیفه سجّادیه است، هدف از به اختیار گرفتن ائمه علیهم‌السلام به وسیله خداوند را، برپا داشتن امرودین خدا در عالم و هدایت خلق به سوی خداوند دانسته و علت این اعطای ریاست از سوی خدا به اهل بیت علیهم‌السلام را به خاطر وجود مقبولیت و استعداد وجودی آن‌ها دانسته است (کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سیدالساّجدين، ۳۷۲/۶).

۱. طه: ۱۳. «و من تورا (به رسالت خود) برگزیدم، در این صورت به سخن وحی فراهده.

۲-۱-۲. امام؛ خزانه دار علم الهی

ویژگی دیگر که حضرت سجاد علیه السلام در این دعای شریف به آن اشاره کرده است، این است که اهل بیت علیهم السلام خزانه داران علم الهی هستند. امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند: «وَجَعَلَتْهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ». در این عبارت "خَزَنَ" به معنای جمع، ضبط و نگه داری کردن در محل معین است، خواه امر مادی ذخیره شود یا امر معنوی و خواه مخزن جسمی باشد یا روحی.

بنابراین علم را همانند مال می‌توان در خزانه نگاه‌داری و ذخیره کرد (مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۳/ ۳۶). آیت الله جوادی آملی با استناد به سیزده باب از کتاب کافی به عنوان مثال باب چهارم که بیان می‌دارد «ائمه علیهم السلام معدن علم و شجره نبوت و محل رفت آمد ملائکه هستند» (کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/ ۲۲۱) و آیه «يَا اٰدَمُ اَنْبِئْهُمْ بِاَسْمَائِهِمْ» معتقد است تمامی علوم و حقایق عالم از طرف خداوند با واسطه یا بی واسطه به معصومان علیهم السلام اعطا شده است. این علوم می‌تواند شامل علم به امور دینی و تشریعیات نیز باشد. اعطای این علم نیز نشان از تفویض تشریع از سوی خداوند به معصومان علیهم السلام است (جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، سوره احقاف، www.esra.ir، ۲۲/ ۵۱/ ۱۳۹۵). با توجه به مقدمات ذکر شده، اهل بیت علیهم السلام عالمان روی زمین بوده و علمشان علمی خدایی است. آنان مظهر علم الهی اند؛ یعنی همان طور که چیزی از حیطة علم بی‌پایان خدا مخفی نمی‌ماند^۲. گستره علم ائمه اطهار علیهم السلام نیز همه موجودات نظام هستی را در بر می‌گیرد (جوادی آملی، عبدالله، ادب و فنای مقربان، ۱/ ۱۷۷). الهی بودن علم ایشان نشان از آن دارد که علم حقیقی، اصیل و درست در دست آن‌هاست و هر کس که دنبال یادگیری علم خدایی است باید به آن‌ها مراجعه کند البته آن‌ها به دلیل داشتن نگاه جهانی مراقب هستند کسی علم را در راه غیر الهی و بر علیه منافع دین و مردم استفاده نکند. علم دست غیر اهلش نیفتد و از آن‌ها مانند شیئی نفیس نگاهداری می‌کنند (کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، ۶/ ۳۷۳).

سال نوزدهم، شماره ۱۴، بهار ۱۴۰۱

۱. البقره: ۳۳. «ای آدم، ملائکه را به اسماء این حقایق آماده ساز».

۲. البقره: ۲۳۱. «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» «بدانید که خدا به همه چیز آگاه است».



۲-۱-۳. امام؛ نگهبان دین خدا

حضرت سجاد علیه السلام در این دعا با عبارت «وَحَفَظَةَ دِينِكَ» بیان می‌دارند که اهل بیت علیه السلام، محافظان دین الهی هستند. آنان از دین در برابر دشمنان و بدعتگذاران نگاهداری می‌کنند؛ چرا که دین به نگاهبانی و نگهداری نیاز دارد و ممکن است توسط دشمنان به انحراف کشیده شود. البته در برخی موارد ممکن است که دین به دست خود مسلمانان به انحراف کشیده شود. مولای متقیان علت پیدایش جنگ‌های داخلی میان مسلمانان را رسوخ انحراف و کج فکری در میان مردم می‌داند و فرمود: «امروز ما بدان جهت با برادران مسلمان خود وارد جنگ شده‌ایم که انحراف، کجی، شبهه و تأویل در اسلام وارد شده است»^۱.

۲-۱-۴. امام؛ خلیفه الله

از دیگر ویژگی‌های مهم امام که حضرت زین العابدین علیه السلام آن را عنوان کرده‌اند موضوع خلیفه خدا بودن امام است. حضرت می‌فرماید: «وَحُلَفَاءُكَ فِي أَرْضِكَ». خلیفه خدا بودن مقامی است که از جانب خداوند اعطا می‌شود و منظور از این مقام، اجرای احکام، تنفیذ اوامر الهی در عالم و هدایت کردن مردم به سوی خداوند تعالی است؛ به همین خاطر آن‌ها واسطه بین خدا و خلق‌اند (کبیرمدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سیدالساجدین، ۶/ ۳۷۳).

بنابراین اهل بیت علیه السلام متولّی دین و دنیای مردم روی زمین‌اند و به دلیل وجود همین مقام خلیفه‌اللهی، سرپرستی همه جهانیان را بر عهده دارند. همچنین به دلیل وجود عصمت، فقط اهل بیت علیه السلام هستند که شایستگی خلافت بر مردم را داشته و همچون خداوند به درخواست‌های مردم توجه و پناه آن‌ها هنگام مشکلاتند.

در حدیثی در کتاب شریف کافی، اشاره صریح به خلیفه الله بودن ائمه علیه السلام شده است. از امام هشتم علیه السلام روایت شده است: «ائمه علیه السلام جانشینان خداوند عزوجل در

۱. نهج البلاغه: خطبه ۱۲۲

روی زمین هستند»^۱. البته خلیفه و مشتقات آن در قرآن کریم به معنای عام و خاص به کار رفته است.

خلافت به معنای عام: واژه خلیفه، مکرر در قرآن کریم در مواردی که انسان‌ها به جای یکدیگر آمده‌اند به کار رفته و بدون استثناء تمام آیاتی که مسئله استخلاف و جانشینی انسان از انسان را مطرح می‌کنند در سیاقی از آیات واقع شده که صحبت از هلاکت اقوام گذشته (مستخلف عنه) است^۲. به عنوان مثال در آیه ۳۹ سوره فاطر آمده است: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُم مَّوَدِّعًا فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَ...»^۳.

خلافت به معنای خاص: در آیات ذیل، خلیفه به معنای خاص آن به کار برده شده است:

- «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...»^۴.

و (به یاد آر) وقتی که پروردگارت فرشتگان را فرمود که من در زمین خلیفه‌ای را خواهم گماشت.

- «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ»^۵.

(و او را گفتیم که) ای داوود، ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم، پس میان خلق خدا به حق حکم کن.

با توجه به سیاق آیات روشن می‌شود که خلافت در معنای خاص، ویژه انبیاء و اوصیاء الهی است و خداوند آنان را به طور خاص نماینده خود در زمین کرده و خلافت را برای آنان قرار داده است^۶.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/۱۹۳.

۲. النمل: ۶۲؛ الأعراف: ۷۴؛ الفاطر: ۳۹.

۳. اوست خدایی که شما را در زمین جانشین امم گذشته قرار داد، اینکه هر کس کافر شود، زیان کفر بر خود اوست.

۴. البقره: ۳۰.

۵. ص: ۲۶.

۶. نجارزادگان، فتح الله؛ شاهمرادی، محمد مهدی، «تحلیل مقام خلیفه الهی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، مشرق موعود (۲۰) / ۵-۲۴.



۲-۱-۵. امام؛ حجت الله

در فرازی دیگر از دعای شریف عرفه حضرت سجاد علیه السلام می‌فرمایند: «وَحُجَّجَ عَلَيَّ عِبَادِكَ». در این فراز، حجت در لغت یعنی دلالتی روشن بر اساس راه مستقیم با قصد و هدف مستقیم است (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ۱/۲۱۸). اهل بیت علیه السلام دارای ویژگی‌هایی می‌باشند که آنان را نشانه‌های خدا روی زمین قرار داده است؛ چرا که آن‌ها چراغ راه هدایت به سوی الله هستند. امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه نخست نهج البلاغه می‌فرماید: «خداوند سبحان، بندگان را بدون پیامبر یا کتاب آسمانی یا حجتی لازم یا نشان دادن راه روشن، رها نساخت»^۱. مغنیه در توضیح این روایت آورده است که مراد از «حُجَّة»، عقل یا وجود مبارک امام معصوم علیه السلام است (مغنیه، محمدجواد، فی ظلال الصحیفه السجادیه، ۱/۶۰).

لازم به ذکر است که سنت معصومان علیه السلام اعم از گفتار، کردار و تقریر آنان، حجت و قابل استناد است؛ یعنی وجود مبارک معصوم از سه جهت حجت است. با توجه به این فراز، در قیامت از نعمت وجود اهل بیت علیه السلام از بندگان سؤال خواهد شد، پس وجود مبارک معصوم حجت عملی و عینی خداوند است (جوادی آملی، عبدالله، ادب و فنای مقربان، ۲/۱۲۷ و ۱۲۸). در بحار الأنوار، حدیثی از رسول خدا ﷺ نقل شده که می‌فرمایند: «من و علی، فاطمه، حسن، حسین و نه فرزند حسین علیه السلام، حجت‌های خدا بر خلق او هستیم» (مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۳۶/۲۲۸).

۲-۱-۶. امام؛ دارای عصمت

عصمت اهل بیت علیه السلام، ویژگی مهم بعدی است که امام چهارم علیه السلام در دعای عرفه به آن اشاره کرده و می‌فرمایند: «وَطَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَالْدَّنَسِ تَطْهِيراً بِإِزَادَتِكَ». مسئله عصمت ائمه علیه السلام، از جمله مواردی است که در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است. به عنوان مثال در قرآن آمده است که: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»^۲. این آیه به عصمت اهل بیت علیه السلام اشاره می‌کند که به اراده الهی صورت گرفته

۱. نهج البلاغه: خطبه ۱.

۲. الأحزاب: ۳۳.

و آن‌ها را از هر خطایی مبرا کرده است. معصومان علیهم‌السلام دارای يك نوع شایستگی اکتسابی از طریق اعمال خویشند. آنان به خاطر تأییدات الهی و اعمال پاک خویش، چنان هستند که در عین داشتن قدرت و اختیار برای گناه کردن به سراغ گناه نمی‌روند (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۱۷/۲۹۲). در تفسیر من وحی القرآن آمده است که شیعه امامیه، با این آیه به عصمت اهل بیت علیهم‌السلام استدلال می‌کنند و بیان می‌دارد اراده خدا بر این قرار گرفته که هر اختلالی در شخصیت که موجب نفرت، انحراف و خطا شود از آن‌ها سلب می‌گردد (فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، ۱۸/۳۰۲).

آیت الله جوادی آملی درباره عصمت اهل بیت علیهم‌السلام قائل به این امرند که از پاک نگه داشته شدن ائمه اطهار علیهم‌السلام از آلودگی، ایمن بودنشان از فتنه‌ها و مصون بودن از لغزش، غیر ارادی است و در نتیجه ایشان دارای عصمت مطلق از هر نوع خطایی هستند (جوادی آملی، عبدالله، ادب و فنای مقربان، ۵/۲۲)، پس به خاطر وجود همین اعتماد به مصون بودن، درست بودن و عصمت، آن‌ها شایسته خلافت بر مردم‌اند.

در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام آمده است که حضرت فرمودند: «منظور از آیه ۳۳ سوره احزاب، ائمه علیهم‌السلام و ولایتشان است. هر کس به ولایت آن‌ها وارد شود گویی به بیت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وارد شده است»^۱. طبق این روایات، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت ایشان علیهم‌السلام، تنها شایسته عصمت از سوی خداوند متعال هستند.

حضرت سجاد علیه‌السلام در فرازی دیگر بر اهل بیت علیهم‌السلام درود می‌فرستد و می‌فرماید: «رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطْيَبِ أَهْلِ بَيْتِهِ». و با فرستادن صلوات بر اهل بیت علیهم‌السلام، در حقیقت از آن‌ها تجلیل کرده درود خدا را شامل حال پاکان از اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. این فراز از دعا بسیار شبیه به آیه ۲۴ سوره مبارکه ابراهیم است که خداوند می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ»^۲. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام ذیل همین آیه آمده است که: «اصل ثابت شجره طیه، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/۴۲۳.

۲. ابراهیم: ۲۴. (ای رسول) آیا ندیدی که چگونه خدا کلمه پاکیزه را به درخت پاک و زیبایی مثل زد، که اصل ساقه آن برقرار باشد و شاخه آن به آسمان (دفع و سعادت) پرشود؟

بیت (ع) هستند و فرع آن ولایت است برای هرکس که به آن وارد شود.^۱
اهل بیت (ع) به گروهی از خاندان پیامبر (ص) اختصاص دارد که از ویژگی عصمت برخوردارند. مصداق آن در روایات مربوط به آیه تطهیر و آیه مباهله، اصحاب کساء یعنی حضرت امیرالمؤمنین، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین (ع) هستند (طحاوی، احمد بن محمد، مشکل الآثار، ۱/۳۳۲-۳۳۹).
همچنین منظور از ائمه (ع)، افراد خاصی از اهل بیت پیامبرند. ام سلمه می‌گوید: «آیه تطهیر نازل شد در حالی که هفت نفر در خانه بودند: رسول خدا (ص)، جبرئیل، میکائیل، علی، فاطمه، حسن و حسین (ع)».^۲

۲-۱-۷. امام؛ راه رسیدن به خدا

در فراز دیگری حضرت می‌فرماید: «وَجَعَلْتُهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيَّ وَالْمَسْلَدَ إِلَى جَنَّةٍ»، در این فراز از کلمه «وسيله» استفاده شده است. اعتقاد به وسيله و بحث توسل مسئله‌ای است که از قرآن کریم و سنت شریف نبوی نشأت گرفته است. در قرآن نمونه‌های مختلف از این نوع توسلات وجود دارد:

۱. توسل برادران یوسف به پدرشان یعقوب.^۳

۲. توسل به پیامبر (ص).^۴

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۵ علامه طباطبایی در بیان بحث وسيله قرار دادن، قائلند که حقیقت وسيله به درگاه خدا، مراعات راه خدا است؛ به اینکه اولاً به احکام او علم پیدا کنی و در ثانی به بندگی او پردازی و ثالثاً در جستجوی مکارم و عمل به مستحبات شریعت

۱. عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر (تفسیر العیاشی)، ۲/۲۲۴.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، ص ۴۷۳.

۳. یوسف: ۹۷ و ۹۸.

۴. النساء: ۶۴.

۵. المائدة: ۳۵. ای اهل ایمان از خدا بترسید و به سوی او وسيله جویید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.

باشی و این وسیله معنایی نظیر معنای کلمه قربت را دارد (طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۵/ ۵۳۵). روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام ذیل همین آیه آمده است که می‌فرماید: «أَنَا وَسِيلَتُهُ»، منظور از وسیله خدا در آیه، من هستم^۱. این آیات نشان می‌دهد که باید برای طلب بخشش از خداوند، واسطه آبرومند پیدا کرد تا خداوند به خاطر او حاجت‌های انسان را برآورده سازد، و بهترین وسیله و رابطه اهل بیت علیهم السلام هستند که باید به اهل بیت علیهم السلام توسل جست. با توجه به فراز قبل چون اهل بیت علیهم السلام، معصوم هستند، پس وسیله نجات و راهی به سوی خدا و بهشت برین برای مردم‌اند و با توجه به آیات، مردم برای رسیدن به خدا و بهشت باید به آنان رجوع کنند.

۲-۱-۸. امام؛ معیار رضایت الهی

از جمله مواردی که حضرت زین العابدین علیه السلام در دعا به آن اشاره می‌کند این است که امام معیار رضایت الهی است و می‌فرماید: «وَجَعَلْتُهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ». در کتب لغت «ذریعه» به معنای وسیله است (فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ۲/ ۹۸). البته بین ذریعه و وسیله تفاوت است. به این معنا که وسیله، برای نزدیکی به چیزی استفاده می‌شود، اما ذریعه به معنای طریق و راه رسیدن به چیزی است (عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، ۱/ ۲۹۸).

طبق این معنا، امام، راه رسیدن به سوی رضای خداوند است. در معنای عبارت «و الذریعه الی رضوانک» آمده، وقتی اطاعت از امام و اقتدا به او رسیدن به ثواب الهی است. پس لاجرم، امام وسیله‌ای به سوی رضای خدای سبحان است (کبیرمدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سیدالساجدین، ۶/ ۳۸۹).

بنابراین برای خشنودی خدا باید امام را خشنود و خوشحال نمود و به این ترتیب با خشنودی امام، خدا نیز خوشحال خواهد شد. پس اگر کسی امام را ناراحت کند و امام از او ناراضی باشد خدا از وی ناراحت است. همان‌طور که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درباره

۱. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ۲/ ۲۹۲.



امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: «مَنْ أَدَّى عَلِيًّا فَقَدْ أَذَانِي»؛ هرکس علی علیه السلام را بیازارد قطعاً مرا آزرده است. حال چون اولیاء خدا جامعه را به سوی خداوند می خوانند و مردم را به او راهنمایی می کنند، خشم و رضای آن‌ها معیار خشم و رضای الهی شده است. در حقیقت چون معیار رضا و غضب آن‌ها قبول یا عدم قبول دعوت به سوی خدا، انصاف به صفات پسندیده یا ناپسند، اطاعت یا تمرد در برابر فرامین الهی و... است، معیار رضا یا غضب الهی قرار گرفته است (جوادی آملی، عبدالله، ادب و فنای مقربان، ۲/ ۳۱۱).

۹-۱-۲. امام؛ واجب الاطاعة

یکی از مسائل بارز در بیان ویژگی‌های امام، واجب الاطاعة بودن ایشان است که بارها با عبارات متعددی در این دعا بر آن تأکید شده است، مانند: «وَأَفْتَرَضْتُ طَاعَتَهُ، وَ حَدَرْتُ مَعْصِيَتَهُ، وَأَمَرْتُ بِامْتِثَالِ أَوَامِرِهِ، وَالْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَالْأَلَّا يَتَقَدَّمَهُ مُتَقَدِّمٌ، وَلَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ». در این فرازها امتثال اوامر، همان اطاعت از امام معنا می دهد، اما انتهاء از نهی امام، «وَالْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ»، نفرت داشتن از آن چیزی است که اهل بیت علیه السلام از آن نهی می کنند. همچنین در معنای تقدّم و تأخّر «وَالْأَلَّا يَتَقَدَّمَهُ مُتَقَدِّمٌ، وَلَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ» آمده، تا زمانی که به کسی دستوری نرسیده، نه در قول و نه در فعل از امام خود پیشی نگیرد و تا وقتی که به او امر نشده، کاری را انجام ندهد و یا از انجام آن تخلف نورزد (کبیرمدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سیدالساچدین، ۶/ ۳۸۹).

همان طور که در قرآن کریم نیز آمده است: «لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»^۱. خداوند اطاعت از امام را واجب نموده است؛ «وَأَفْتَرَضْتُ طَاعَتَهُ» و این کلام امام نشأت گرفته از همان آیه قرآن است که می فرماید: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۲. آنچه که از این عبارت دعا می توان برداشت کرد آن است که مهم ترین مسئله در اطاعت از امام، همگام بودن با ایشان است؛ چرا که سبقت گرفتن و جاماندن از

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۵/ ۶۹.

۲. الحجرات: ۱.

۳. النساء: ۵۹.

امام با اطاعت کامل از ایشان همخوانی ندارد. خوارج نمونه بارز کسانی هستند که در تاریخ از امام خویش سبقت گرفتند و کسانی که بخواهند از امام جلوتر حرکت کنند ناگزیر از اسلام جدا می‌شوند. در کتاب بحار الأنوار آمده، سومین علت جنگ این گروه کج‌اندیش با امیرمؤمنان، بهانه جویی‌های آنان بود. امیرمؤمنان، ابن عباس را به نزد خوارج فرستاد تا از آن‌ها علت شورش را پرسد. ابن عباس بعد از شنیدن صحبت‌های آنان به نزد حضرت برگشت. امام علی علیه السلام در ضمن پاسخ به دلایل آنان، فرمودند: «اینکه گفتید: من وصی و جانشین بودم و وصیت و جانشینی را ضایع کرده و از بین برده‌ام؛ باید گفت: این شماست که کفر ورزیدید و بر من پیشی گرفتید و امر را از من جدا ساختید»^۱.

۲-۱-۱۰. امام؛ مایه حسن و جمال جهانیان

ویژگی دیگری که حضرت سجاد علیه السلام ذکر کرده‌اند این است که امام، مایه بهاء جهانیان است، «وَبَهَاءُ الْعَالَمِينَ». «بهاء» در لغت به معنای حسن و جمال (فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ۱/۶۵) و یا آنچه که حسن و زیبایی‌اش چشم را پر می‌کند (فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ۴/۹۷).

وجود امام موجب زیبایی جهان است. سید علی خان معتقد است اینکه امام سجاد علیه السلام در این دعا امام را مایه بهاء جهانیان معرفی کرده، از این جهت است که ایشان با برپایی عدل و اقامه حق در جامعه، موجب زیبایی جامعه می‌شود (کبیرمدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، ۶/۳۹۱). با توجه به همین عبارت معلوم می‌شود که امام، عدل و حق را فقط برای مسلمانان طلب نمی‌کند، بلکه خواهان اقامه آن برای تمام جهانیان است. زیرا که خداوند متعال در آیه ۲۵ سوره حدید می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۳۳/۳۷۹.

۱-۱۱. امام؛ شکرگزار نعمت‌های الهی

حضرت زین العابدین علیه السلام در فرازی دیگر از دعای شریف عرفه می‌فرمایند: «اللّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ»؛ رسیدن به مقام شکر از جمله مقامات پرارزشی است که اولیاء خدا برای رسیدن به آن اصرار داشتند.

وجود مبارك حضرت سیدالساجدین علیه السلام در فرازهای ابتدایی دعای ۳۷ صحیفه سجّادیه، درباره اعتراف به تقصیر در ادای شکر می‌فرمایند: «اللّهُمَّ إِنْ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةَ إِلَّا حَصَلَ عَلَيْهِ مِنْ إِحْسَانٍ مَا يُلْزِمُهُ شُكْرًا. وَلَا يَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ وَإِنْ اجْتَهَدَ إِلَّا كَانَ مُقْصِرًا دُونَ اسْتِحْقَاقٍ بِفَضْلِ فَاشْكُرْ عِبَادَكَ عَاجِزٌ عَنْ شُكْرِكَ، وَأَعْبُدْهُمْ مُقْصِرٌ عَنْ طَاعَتِكَ»^۱. پس امام جامعه خود اولین شکرکننده نعمت‌های خداست و توفیق شکرگزاری از جانب خداوند به او الهام می‌شود، از طرفی شیعیان نیز وظیفه دارند برای امام خویش دعا کنند و از خدا برای ایشان طلب خیر نمایند.

۲-۱۲. امام؛ مؤید به قدرت و نصرت الهی

امام سجّاد علیه السلام با تعبیر مختلف به تأیید امام به قدرت و نصرت الهی اشاره می‌فرمایند: «وَأْتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا»، «وَأَفْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا»، «وَأَعْنِهِ بِرُكْنِكَ الْأَعَزَّ»، «وَأَشْدُدْ أَرْزَهُ، وَقَوِّ عَضْدَهُ»، «وَأَنْصُرْهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَأَمْدُدْهُ بِجُنْدِكَ الْأَغْلَبِ» و «وَرَاعِهِ بِعَيْنِكَ، وَاحْمِهِ بِحِفْظِكَ».

حضرت می‌فرمایند: «وَأْتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا»، امام امت باید در جامعه قدرت داشته باشد و عطای قدرت از سوی خدا به وی اعطا می‌شود. شبیه همین عبارت در قرآن کریم نیز آمده است، آنجا که خداوند در سوره اسراء می‌فرماید: «وَأَجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا»^۲. علامه در تفسیر این آیه می‌فرماید: «به این معنی که مرا در تمامی مهماتم و در هر کاری که مشغول می‌شوم یاری کن و اگر مردم را به دین تو دعوت می‌کنم مغلوب نشوم» (طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳/ ۱۷۶).

۱. صحیفه سجّادیه: دعای ۳۷.

۲. الإسراء: ۸۰. «و به من از جانب خود حجت روشنی که دائم یار و مددکار باشد عطا فرما».

یکی از عوامل ضعف و ناتوانی در اداره امور، عدم تسلط و چیره نبودن بر مسائل گوناگون است. وقتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از جانب خدای متعال سیطره‌ای همه جانبه بر امور داشته باشد، کسی توان تخلف نخواهد داشت. به همین دلیل، حکومت ایشان، پاک‌ترین حکومت‌ها است (قرائتی، محسن، شرح دعای شریف افتتاح، ص ۱۱۸).

در ادامه فراز قبلی حضرت می‌فرماید: «وَأَفْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا». امام جامعه همواره فاتح میدان‌هاست. این کلمه در قرآن بارها آمده است. در سوره فتح خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا»^۱، مصطفوی می‌گوید خداوند هنگام فتح مکه با یاری رسول خود، گشایشی در مسیر رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله ایجاد کرد و با رفع موانع مادی و معنوی، برای اجرای وظایف پیامبر و ابلاغ احکام الهی سدهای رو به روی ایشان را از میان برداشت (مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۶/۹)، پس خداوند فتح یسیر را برای امام خود هم فراهم می‌کند؛ زیرا تا خداوند این مسیر را برای او سهل و آسان نکند در مصاف با دشمنان و ناهمواری‌ها، راه سختی را پیش رو خواهد داشت.

امام سجاد علیه السلام در فراز دیگری می‌فرماید: «وَأَعِنُّهُ بِرُكْنِ الْأَعَزِّ»، خدایا امام را با تکیه‌گاه عزت‌مندانه خودت یاری کن. خداوند می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»^۲، عزت در مرحله نخست برای خداست و در مرحله بعدی رسول و مؤمنان شکست‌ناپذیر هستند. در واقع وقتی می‌خواهیم خدای متعال، امام را با پشتوانه عزت خودش یاری کند، یعنی می‌خواهیم امام ویژگی شکست‌ناپذیری را از خود خدا دریافت کند. امام سجاد علیه السلام در ادامه می‌فرماید: «وَأَشْدُدْ أَرْزَهُ، وَقَوِّ عَضُدَهُ»، خدایا پشت امام را محکم کن و بازوان حضرت را قوی کن. در این فراز وقتی حضرت از خدا می‌خواهد که پشت امام را محکم کند و بازوان او را قوی نگاه دارد. باید ببینیم این مهم چگونه محقق می‌شود. در آیه ۳۱ سوره طه آمده وقتی حضرت موسی علیه السلام به رسالت مبعوث می‌شود از خداوند «أَشْدُدْ بِهِ أَزْرِي»^۳ را می‌خواهد موسی علیه السلام می‌فرماید: خدایا پشت من را با برادرم هارون محکم کن.

۱. الفتح: ۱.

۲. المنافقون: ۸.

۳. طه: ۳۱.

همچنین در آیه ۳۵ سوره قصص آمده «قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ»؛ خداوند نیز باتوجه به این آیه از قرآن می‌فرماید: به زودی بازویت را به وسیله برادرت نیرومند خواهیم کرد. بنابراین امام سجّاد (ع) در این فراز از خداوند می‌خواهد که برای امام پشتیبانی قرار دهد و کنایه از این دارد که امام باید به وسیله شیعیانی خاص، ناب و متدین از پشتیبانی ویژه‌ای برخوردار باشد.

امام چهارم (ع) می‌فرماید: «وَرَاعِهِ بِعَيْنِكَ، وَاحْمِهِ بِحِفْظٍ». اگر در برپایی حکومت و یا در راه غلبه بردشمنان گزندی به امام برسد ایشان قادر به برپایی نظام اسلامی و استمرار این نظام نخواهد بود. از این رو نیاز به حفظ و پاسداری خداوند دارد. امام جامعه برای برپایی حکومت و استمرار آن، رویارویی با دشمنان و دیگر امور جامعه، نیاز به استمداد الهی دارد، «وَأَنْصُرُهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَأُمِدُّهُ بِجُنْدِكَ الْأَغْلَبِ» و این استمداد مادی و معنوی جز از سوی خداوند باری تعالی محقق نمی‌شود. برای پیروزی امام هم ملائکه و هم سپاهی غیبی از جانب خداوند او را کمک می‌رسانند. این عبارت امام سجّاد (ع) که ملائکه به یاری امام می‌آیند مسبوق به سابقه است. همان‌طور که در جنگ بدر، ملائکه به یاری پیامبر (ص) و مسلمانان شتافتند، خداوند در این باره می‌فرماید: «إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ»^۱. آری اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید و با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند همانگاه پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد.

۲-۱-۱۳. امام؛ مهربان با دوستان خدا

امام نسبت به شیعیانش مهربان و با محبت است و با دلسوزی و عطوفت خویش با آن‌ها رفتار می‌کند امام سجّاد در این رابطه در این دعای شریف می‌فرماید: «وَأَلِنْ جَانِبَهُ لِأَوْلِيَائِكَ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ، وَرَحْمَتَهُ وَتَعَطُّفَهُ وَتَحَنُّنَهُ». رفتار امام بسیار شبیه به رفتاری است که پدر و مادر با فرزند خویش دارند. به همین جهت است که امام رضا (ع) در

۱. القصص: ۳۵.

۲. آل عمران: ۱۲۵.

روایتی در معرفی امام فرموده‌اند: «الْإِمَام... أَلْوَالِدُ الشَّفِيق... وَالْأُمُّ الْبِرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ»^۱، امام... پدر دلسوز... و مادر مهربان نسبت به بچه کوچک است. امام، محبتی از سنخ محبت خدایی دارد؛ چرا که ائمه علیهم‌السلام مظهر صفات فعلی الهی‌اند.

۲-۲-۲. شئون و مناصب امام

در این قسمت به چند مورد از شئون و مناصب امام که حضرت زین العابدین علیه‌السلام در این دعا به آن‌ها اشاره کرده‌اند، به صورت کیفی تحلیل شده است.

۲-۲-۱. امام؛ پناهگاه بندگان

حضرت زین العابدین علیه‌السلام در این فراز بیان می‌دارند که امام نگاهدار پناهندگان و بندگان است: «فَهُوَ عَصَمَهُ اللَّائِذِينَ وَكَهَفَ الْمُؤْمِنِينَ وَغُرُوهُ الْمُتَمَسِّكِينَ». مغنیه در معنای عبارت "عصمه اللائذین" آورده که امام در حل مشکلات، پناه مردم خواهد بود (مغنیه، محمد جواد، فی ظلال الصحیفه السجادیه، ص ۵۷۳). سید علی خان نیز معتقد است "عصمه اللائذین" یعنی کسی که نگاهداری از فرد دیگری که به او پناه آورده است را به عهده دارد به گونه‌ای که باعث هدایت او به سوی صراط مستقیم شده و از افتادن وی در وادی افراط و تفریط ممانعت می‌کند. امام، پناه مؤمنان (کهف المؤمنین) معرفی شده است. «کهف» در مجاز، منظور کسی است که قومش به او پناه می‌برند. پس کهف المؤمنین؛ یعنی ملجأ و پناه مؤمنان بودن هنگام بروز شبهات و گرفتاری در ظلمات (کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، ۶/ ۳۹۱).

امام صادق علیه‌السلام در جواب نامه محمد بن الحسن بن شمعون نوشت ما پناه برای هر کسی هستیم که به ما پناه آورد؛ «نَحْنُ كَهْفٌ لِمَنْ التَّجَأَ إِلَيْنَا»^۲. پناهگاه بودن ائمه علیهم‌السلام دو گونه است: بخشی از آن که مربوط به امور تکوینی است همانند رحمت رحمانی عام و گسترده الهی که همه مخلوقات خدا را در بر می‌گیرد و بخشی دیگر که مربوط به امور تشریعی

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/ ۲۰۰.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۵۰/ ۲۲۹.

است و به مؤمنان و معتقدان به اهل بیت علیهم السلام اختصاص دارد. کسانی که در مسائل عقیدتی، فکری و عملی احساس خطر کنند، می توانند خود را در این پناهگاه مستحکم وارد گردانند و در پناه آن بیارمند (جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، ۸۱/۲). شاید عبارت «كَهْفِ الْوَرَى» که در زیارت امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به آن حضرات معصومین بیان شده، اشاره ای به این مطلب باشد.^۱

همچنین امام دستاویزی برای تمسک کنندگان به ایشان است: «وَعُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ»، «عروه» در اصل به معنای «تعلق» است و وقتی گفته می شود: «فلان عری فلانا»، معنایش این است که فلانی به فلان چیز تعلق و دل بستگی دارد (طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۳۴۴/۲).

خداوند قرآن می فرماید: «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى».^۲ در این آیه کفر به طاغوت و ایمان به خدا موجب چنگ زدن به دستاویزی است که پارگی و شکافی در آن نیست. پس برای دوری از طاغوت و ایمان به خدا باید به اهل بیت علیهم السلام که همان عروه هستند چنگ زد. در کتاب فی ظلال الصحیفه السجادیة نیز در شرح عبارت «عروة المتمسكين» آمده که هر کس به قول امام عمل کند از عذاب آخرت در امان است (مغنیه، محمدجواد، فی ظلال الصحیفه السجادیة، ص ۵۷۳). بدین طریق ائمه علیهم السلام شایسته وساطت بین خالق و خلق هستند.

۲-۲-۲. امام؛ هادی بندگان

هادی و هدایتگری امام از دیگر ویژگی های امام است که به آن اشاره شده است: «أَقَمَّتْهُ عَلَمًا لِعِبَادِكَ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ». ترکیب «عَلَمًا لِعِبَادِكَ» در بردارنده معنای عبودیت است و عَلم بودن برای «عبودیت» را برای متصفان به این صفت (ائمه علیهم السلام) ثابت می کند؛ چرا که آن ذوات نورانی عَلم برای هر کمالی هستند. ممکن است مراد از بلاد «مَنَارًا فِي بِلَادِكَ» در اینجا همان مردم باشند؛

۱. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، ص ۲۱۱.

۲. البقره: ۲۵۶. «پس هر کس از راه کفر و سرکشی دیورهن برگردد و به راه ایمان به خدا دست آویزد...».

یعنی ائمه علیهم‌السلام در میان جمعیت دایر (مسلمانان) و بایر (کافران)، همانند مناره‌هایی قد برافراشته و روشنی بخش، مقصد نمایی می‌کنند (جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقتربان، ۴/ ۳۴۲ و ۳۴۳).

بعضی معتقدند استعمال لفظ علم و منار در اینجا استعاره‌ای زیبا برای شخص امام است از این جهت که او وسیله هدایت مردم در سلوک راه حق و مراجعه خلق به ایشان هنگام مواجهه با شبهه و مشتبه شدن حق بر باطل است. عبارت «وَصَلَّتْ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ» نیز به دو معنا آمده است: اتصال امام به خدای متعال به طوری که امر امام همان امر خدا باشد و یا به معنای ذمه و عهد است. بعضی نیز معتقدند حبل الله در اینجا به معنای ولایت است (کبیرمدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سیدالساجدین، ۶/ ۳۸۷ و ۳۸۸). مردم برای هدایت خویش باید به امام جامعه نگاه کنند و برای رسیدن به ریسمان الهی باید به ریسمان اهل بیت علیهم‌السلام (ولایت) چنگ زد، پس امام نشانه هدایت برای بندگان و نوری آشکار در جوامع اسلامی است.

۲-۲-۳. امام؛ مرجع و مؤید دین

امام چهارم علیه‌السلام در چندین فراز از دعای عرفه اهل بیت علیهم‌السلام را مرجع، مؤید و برپاکنده دین معرفی می‌کنند: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيْدَتْ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ»، «وَأَقَمَ بِهِ كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَ وَسُنَنَ رَسُولٍ، صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ»، «وَأَخِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ».

امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيْدَتْ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ»، منظور از تأیید دین در اینجا قوی و نیرومند کردن دین به وسیله امام است. سید علی خان کبیرنیز «ایدت» را در اینجا به معنای نیرو و قدرت فراوان بیان کرده‌اند. منظور از دین در عبارت «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيْدَتْ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ» می‌تواند شریعتی باشد که در آن حلال و حرام‌های الهی مشخص شده و یا به طور خاص، دین اسلام است. اگر احتمال اول فرض گرفته شود، پس منظور از زمان، از ابتدای خلقت تا پایان

دنیاست و منظور از امام، هرنبی و وصی‌ای است که تا به حال آمده است و اگر احتمال دوم در نظر گرفته شود منظور از زمان، زمان بعد از پیامبر اکرم ﷺ تا روز قیامت و منظور از امام، اهل بیت ایشان علیهم‌السلام هستند (کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، ۳۸۶/۶)، اما مغنیه، دین را در اینجا همان اسلام در نظر گرفته است (مغنیه، محمدجواد، فی ظلال الصحیفه السجّادیه، ص ۵۷۳).

صاحب ریاض السالکین می‌گوید که امام می‌تواند دو معنا داشته باشد: نخست، کسی که ریاست عمومی در امور دین و دنیا دارد، پس در این حالت بعضی از انبیاء الهی نیز، امام محسوب می‌شوند مانند حضرت ابراهیم علیهم‌السلام که خداوند در شأن ایشان فرمود: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا». معنای دیگر خاص جانشینان رسول خدا ﷺ هستند که وظیفه اقامه شریعت خدا را بر عهده داشته و اطاعت از ایشان واجب است (کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، ۳۸۷/۶).

برای اقامه شریعت و اجرای حدود و احکام الهی در بین امت به وجود امام نیاز است. این مهم جز با تشکیل حکومت اسلامی عملی نمی‌شود، «وَأَقِمَّ بِهِ كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَ وَسُنَنَ رَسُولٍ، صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ». اقامه حدود در دو معنا به کار رفته است: نخست، اصطلاح خاص که همان معنای اجرای مجازات‌های مقرّر شرعی بر متخلفان است. دوم، اصطلاح عام که مقصود اجرای همه احکام الهی و مواظبت بر تعطیل نشدن و بر زمین نماندن آن است. همان‌گونه که خداوند پیامبران اولوالعزم را مأمور کرد تا دین الهی را که همان اسلام است سرپا نگه دارند، «شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ...»^۲ که به معنای اقدام عملی برای اجرا شدن و بر زمین نماندن احکام الهی است (جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقرّبان، ۱۹۲/۶).

۱. البقره: ۱۲۴.

۲. الشوری: ۱۳. «خدا شرع و آیینی که برای شاملین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد».

اهل بیت علیهم‌السلام برای اقامه حدود الهی و برپاداشتن آن کوشیدند و اگر همان تلاش‌های محدود و کنترل شده ائمه علیهم‌السلام نمی بود و آن‌ها به عنوان شاخص و معیار در جامعه حضور نمی داشتند معلوم نبود که چه بر سراسلام می آمد. در حقیقت وجود آن ذوات قدسی در جامعه و نگرانی حاکمان ستمگرا از اعتراض آنان سبب اقامه حدود الهی بود (جوادی آملی، عبدالله، همان، ۶/ ۲۰۱).

امام، در سایه مرجعیت و تأیید، احیاکننده مجدد نشانه‌های دین است. «وَأَخِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ». منظور از زنده کردن معالم دین به وسیله امام می تواند همان تعظیم شعائر الله باشد. شعائر خدا علامت‌هایی است که خداوند آن‌ها را برای اطاعتش نصب فرموده است (طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴/ ۳۷۳). همچنان که خودش فرمود: «إِنَّ الصِّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ...»!

معالم دین در جامعه قابل از بین رفتن و احیای مجدد هستند و وجود آن‌ها در جامعه بسیار اهمیت دارد. وقتی جامعه اسلامی با یاری خدا و از جانب امام برپا شود، علائم و نشانه‌های دین به وسیله امام، زنده خواهد شد و امام با نابود کنندگان معالم دین مبارزه خواهد کرد؛ چرا که در صورت نبود حکومت اسلامی، ستمگران بر جامعه مسلط شده و هرآنچه از دین و نشانه‌های آن در جامعه وجود داشته باشد، از بین خواهند برد، «وَأَخِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ»، پس طبق این عبارت یکی از مصداق‌های شخص ظالم، فردی است که نابودکننده نشانه‌های دین است؛ چرا که دین برخلاف منافع مادی آنان در جامعه خواهد بود.

۲-۲-۶. امام؛ نابود کننده ظلم و ستم

یکی از شئون و مناصب امام در جامعه مبارزه با ستم و ستمگری است. علی الخصوص ستمگرانی که قصد نابودی نشانه‌های دین و ترویج بی دینی را دارند: «وَأَجْلُ بِهِ صِدَاءُ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَةٍ». پس وقتی امام در جامعه حاکم نباشد، ستم در جامعه رواج پیدا می کند.



در راهی که امام پیش رو دارد قطعاً ناهمواری‌ها و خطرات بسیاری از جانب دشمنان بیرونی و درونی وجود دارد. حضرت سجّاد علیه السلام در اینجا دعا می‌کند که خداوند، خطرهای ستم‌ها و افراد خطرآفرینی را که در مسیر امام وجود دارند و دین و جامعه اسلامی را تهدید می‌کنند از میان بردارد: «وَأَيُّنَ بِهِ الضَّرَاءَ مِنْ سَبِيلٍ».

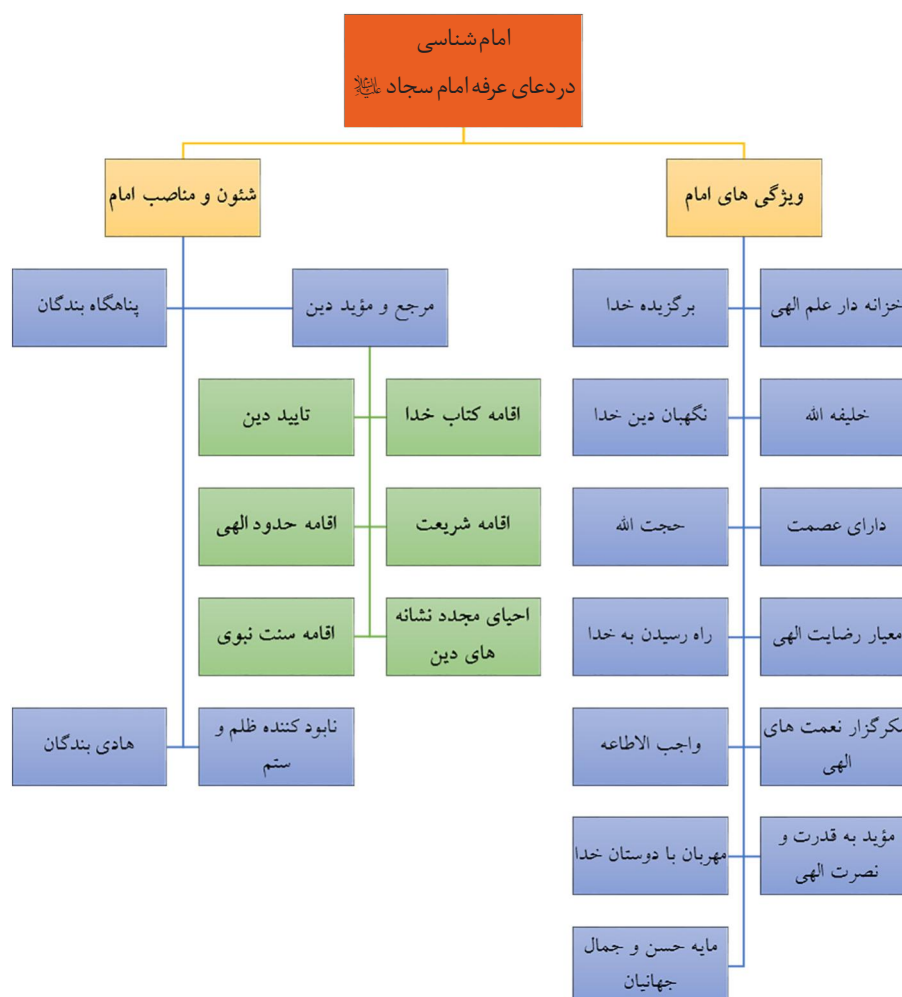
امام، کسانی را که از مسیر راست و درست خارج شده و قصد برگشت ندارند از میان برمی‌دارد: «وَأَزِلْ بِهِ التَّكْبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ». در این عبارت «تاکبین» یعنی کسانی که از دین و راه حق دور شده‌اند (کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، ۳/ ۱۱۶)، پس امام قصد دارد که مسیر جامعه اسلامی را از وجود کج رونندگان از راه راست پاک کند. کسانی که قصد انحراف دیگران از مسیر درست را دارند به وسیله امام از میان می‌روند: «وَأَمْحَقْ بِهِ بُغَاةَ قَصْدِكَ عَوْجًا». حضرت گویی در این فراز به آیه‌ای از قرآن گوشه چشمی دارند که می‌فرماید: «الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا»^۱.

منظور از «بغاه» در اعوجاج، ماندن در انحراف و خواهان گرفتاری در شک و شبهه است (فضل الله، محمدحسین، من وحی القرآن، ۱۰/ ۱۳۱). یعنی ستمگران در میان مردم القای شبهه و تلبیس می‌کردند و به ایشان چنان فرامی‌نمودند که این راهی کج و طریقی نامستقیم است (کاشانی، فتح الله بن شکرالله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ۴/ ۳۳) امام نابودکننده کسانی خواهد بود که می‌خواهند مردم را از راه راست گمراه کنند. پس یک انسان شیعه با دعا کردن از خدای سبحان درخواست می‌کند که امام معصوم علیه السلام را یاری برساند تا دولت انسانی را تحت لواء یک فرد واحد برپا دارد و کسانی را که قصد انحراف دین و خوردن اموال یتیمان و مساکین را دارند نابود کند (مغنیه، محمدجواد، فی ظلال الصحیفه السجادیه، ص ۵۷۴).

در فرازی دیگر آمده است: امام بردشمنان غالب بوده و آن‌ها را نابود خواهد کرد: «وَأَبْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ». در این عبارت، بسط در لغت در مقابل قبض آمده است (فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ۷/ ۲۱۷).

۱. هود: ۱۹. «آن ستمکاران که (بندگان را) از راه خدا بازمی‌دارند و سعی می‌کنند که راه حق را کج کنند».

در ادامه مجموعه ویژگی‌ها و شئون و مناصب امام جهت فهم بهتر مطالب به صورت نمودار ترسیم شده است:

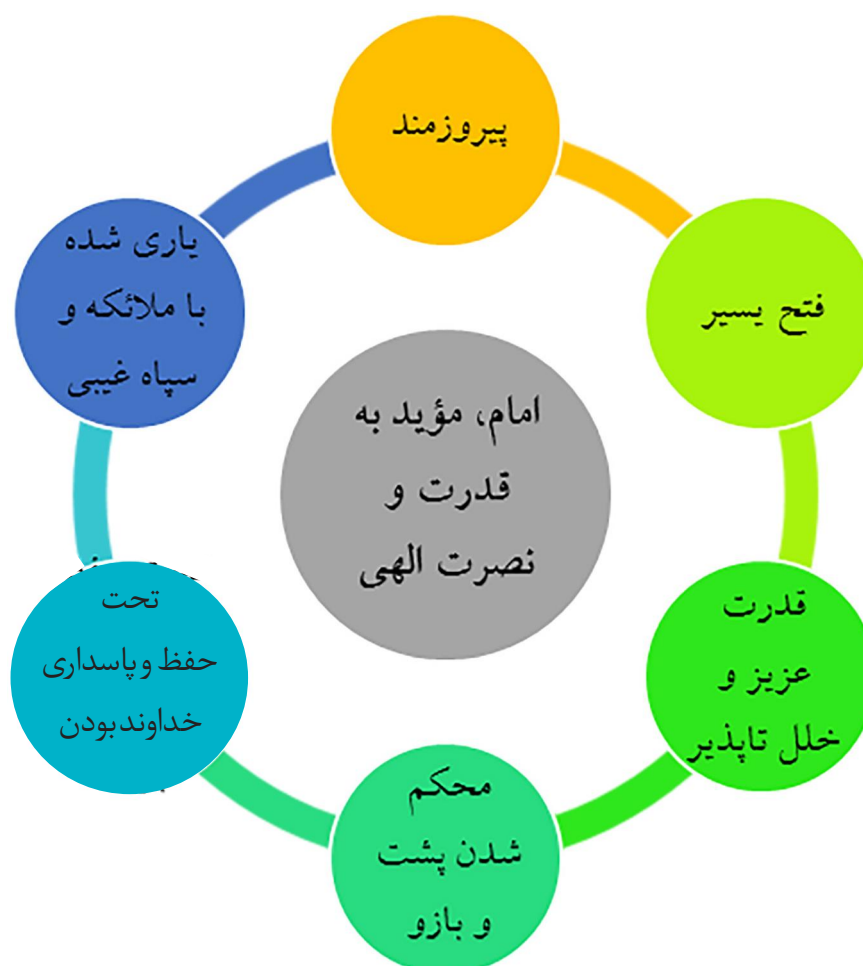


سال نوزدهم، شماره ۱۴، بهار ۱۴۰۱

نمودار فوق، برآیند تحلیل‌های کمی و شمارش بیشترین فراوانی در هر دو قسمت از ویژگی‌ها و شئون و مناصب امام است. همان‌طور که مشخص است با توجه به بسامد بالای مرجعیت دینی امام و تأیید ایشان به قدرت و نصرت الهی، در بخش تحلیل کیفی، جزئیات و موارد هر کدام به تفکیک استخراج شده است. البته در بخشی نیز



این امکان وجود نداشت. لذا به صورت یک نمودار جداگانه ترسیم شده است. مثلاً در شکل زیر مؤلفه‌های تأیید امام به قدرت و نصرت الهی به صورت جزئی معرفی شده‌اند:



نتیجه‌گیری

در پایان به عنوان نتایج و یافته‌های حاصل از تحقیق صورت گرفته در رابطه با دعای عرفه امام سجاد (ع) با روش تحلیل محتوای کیفی، باید گفت که:

۱. دعای عرفه منقول در صحیفه سجادیه از اعتبار و وثاقت سندی بالایی برخوردار بوده و در منابع مختلف حدیثی و رجالی توسط سلسله سندی معتبر نقل شده است. مجموعه معارف و مفاهیمی که در این دعا نقل شده است بر موضوعات مختلفی اشاره دارند که یکی از مهم‌ترین آنها، مسئله تبیین جایگاه امام و شئون و مناصب ایشان در جامعه اسلامی است.

۲. تحلیل محتوای کمی و کیفی دعای عرفه امام سجاد (ع) نشان می‌دهد که مهمترین موضوع مطرح شده در این دعا، بیان این مطلب است که پشتیبان امام در نظام هستی، خداوند متعال بوده و با یاری خدا، ظالمان و ستمگران را از میان برمی‌دارد و مرجعیت دین را در اختیار می‌گیرد.

۳. از منظر امام سجاد (ع) مهمترین ویژگی‌های امام معصوم در جامعه اسلامی عبارت است از: برگزیده خداوند، خزانه دار علم الهی، نگهبان دین خدا، خلیفه الله، حجت الله، دارای عصمت، راه رسیدن به خدا، معیار رضایت الهی، واجب اطاعه، مایه حسن و جمال جهانیان، شکرگزار نعمات الهی، مؤید به قدرت و نصرت الهی و مهربان با دوستان خدا.

۴. لازم به ذکر است که در میان ویژگی‌های امام، مضمون «مؤید به قدرت و نصرت الهی» بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده و بسیار مورد تأکید امام سجاد (ع) بوده است. دیگر مؤلفه‌های زیرمجموعه این مضمون کلی نیز عبارت است از: قدرت پیروزمند و خلل ناپذیر، فتح آسان، محکم شدن بازو و پشتیبانی از ایشان به وسیله خود خداوند و یاری شدن ایشان با ملائکه و سپاه غیبی است.

۵. حضرت سجاد (ع) در دعای عرفه خود، شئون و مناصب ذیل را برای امام معصوم در جامعه اسلامی معرفی کرده‌اند: پناهگاه بندگان، هادی بندگان، مرجع و مؤید دین،



نابود کننده ظلم و ستم. همچنین لازم به ذکر است که در این بخش، مضمون «مرجع و مؤید دین» بودن از فراوانی بسیاری در کل دعای عرفه برخوردار بوده و دیگر مؤلفه‌های زیرمجموعه آن عبارت است از: تأیید کننده دین، اقامه کتاب خدا، اقامه حدود الهی، اقامه شریعت، اقامه سنت نبوی، احیای مجدد نشانه‌های دین.

در نهایت از مجموع آنچه بیان شد چنین به نظر می‌رسد که حمایت از اهل بیت (ع) در زمان امام چهارم (ع)، یکی از مسائل کلیدی و حسّاس در آن دوران بوده که مردم از پرداختن به آن مغفول مانده بودند. لذا حضرت سجّاد (ع) با استفاده از قالب بیانی دعا، تلاش کرده‌اند تا تصویری از اسلام حقیقی فراموش شده و آینده روشن پیش روی امت اسلامی ترسیم کنند. آن حضرت (ع) در دعای عرفه خود تلاش دارند این مطلب را بیان کنند که مرجعیت و تأیید دین و مذهب با امام معصوم در جامعه اسلامی است و سنت‌ها و حدود الهی با وجود ایشان جان می‌گیرد و زنده می‌شود. لذا امام را خلیفه و حجت خدا و نگهبان دین معرفی نموده که اطاعت از ایشان مایه حسن و جمال جهانیان و کسب رضایت الهی است.

فهرست منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم.

۱. نهج البلاغه

۲. صحیفه سجّادیه.

۳. علی بن الحسین (ع)، صحیفه کامله سجّادیه، ترجمه حسین استادولی، اول، قم: انتشارات الهادی، ۱۳۸۳ ش.

۴. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، دوم، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ ق.

۵. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.

۶. ابن حجاج، مسلم، صحیح مسلم، اول، قاهره: دارالحدیث، ۱۴۱۲ ق.

۷. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، الحزار الکبیر، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۹ ق.

۸. باردن، لورنس، تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمینی دوزی، اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵ ش.

۹. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، اول، قم: مؤسسه البعثة، ۱۴۱۵ق.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، اول، قم: نشر اسراء، ۱۳۷۵ش.
۱۱. -----، تفسیر تسنیم، اول، قم: نشر اسراء، ۱۳۹۵ش.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، اول، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶ق.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، اول، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۱۴. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۱۵. طحاوی، احمد بن محمد، مشکله الاثر، اول، بیروت، دار صادر، ۱۳۳۳ق.
۱۶. عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، اول، بیروت: دارالافاق الجدیده، ۱۴۰۰ق.
۱۷. عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر (تفسیر العیاشی)، اول، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ق.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، دوم، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۱۹. فضل الله، محمدحسین، من وحی القرآن، اول، بیروت: دار الملائک، ۱۴۱۹ق.
۲۰. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، دوم، قم: مؤسسه دارالهجره، ۱۴۱۴ق.
۲۱. قرائتی، محسن، شرح دعای شریف افتتاح، اول، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۹۲ش.
۲۲. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، اول، تهران: کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۱ش.
۲۳. کبیرمدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ق.
۲۴. کریپندورف، کلوس، تحلیل محتوا، ترجمه هوشنگ نایب، اول، تهران: انتشارات روش، ۱۳۷۸ش.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة فی درر الاخبار الاثمة الاطهار علیه السلام، دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۷. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.



۲۸. مغنیه، محمدجواد، فی ظلال الصحیفه السجّادیه، چهارم، قم: دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۲۸ق.
۲۹. نجفی، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲ش.
۳۰. هاشمی شاهرودی، محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، اول، قم: مرکز پژوهش‌های فارسی الغدیر، ۱۴۲۶ق.

مقالات

۳۱. محلاتی، حیدر، «بررسی تطبیقی دعای عرفه امام حسین علیه السلام و امام سجّاد علیه السلام»، پژوهشنامه معارف حسینی، شماره ۱، ۱۳۹۵ش.
۳۲. نجارزادگان، فتح الله؛ شاهمرادی، محمد مهدی، «تحلیل مقام خلیفه الله امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، مشرق موعود، شماره ۲۰، ۱۳۹۰ش.